



مرور یک سال مسیر ناهموار اجرای توافق هسته‌ای

دفاع «اوباما» از برجام تا دقیقه ۹۰ ریاست جمهوری

[مریم سالاری]

بدون شک یک گزاره ثابت و بی رقیب در انبوه اشاراتی که «باراک اوباما» طی یک سال گذشته به دستاوردهای زمامداری هشت ساله‌اش در کاخ سفید داشت و آن را در قبال افتخارات دموکرات‌ها به تصویر کشید، پیگیری سیاست ترجیح دیپلماسی بر نیروی نظامی بود. سیاستی که به حل و فصل مناقشه هسته‌ای با ایران و رسیدن به برجام انجامید. سیاست ترجیح دیپلماسی گزاره‌ای برگرفته از مأموریت دشواری بود که اوباما در آغاز به کار دولتش و ذیل هدف بهبود وجهه این کشور در جهان برای خود تعریف کرد. آن هم در شرایطی که شرایط به جامانده از جنگ‌های بی حاصل و هزینه‌ساز دوران بوش پسر عملاً چهره سیاست خارجی واشنگتن را در عرصه بین‌المللی مخدوش کرده بود. شرایطی که اگر چه مطلوب و آرمان جریان‌های افراطی ولابی‌های اسرائیلی امریکا بود اما تحت تأثیر رویکرد جدید اوباما و وعده‌هایی که او برای کاستن از هزینه‌های جنگ‌های فرسایشی جمهوریخواهان داد، متحول شد و فضا را مهبای پرتنش‌ترین نزاع پیدا و پنهان چند دهه اخیر در واشنگتن بر سر ایران نمود. این در حالی بود که موقعیت برتر منطقه‌ای ایران و تحکیم پایه‌های حکومتی‌اش در ابعاد ملی، تصویر و نگرش گذشته بسیاری از نخبگان امریکایی را نسبت به تهران متحول کرده بود. تاجایی که «هنری کیسینجر»، وزیر خارجه اسبق امریکا با این توصیه به اوبامای جوان که ایران را به عنوان یک پای ثابت تحولات مهم منطقه خاورمیانه نمی‌توان نادیده گرفت، او را برای رویکرد مطالبه مذاکره با ایران تشویق کرد. اما موضوع مذاکره نه در باره حل و فصل اختلافات تاریخی دو کشور که ریشه‌های آن به علل و عواملی تاریخی برمی‌گشت و در کوتاه مدت ناممکن به نظر می‌رسید؛ بلکه ناظر به گفت‌وگو در باره برنامه‌های هسته‌ای ایران بود. به این ترتیب در حالی که دغدغه حل موضوع هسته‌ای، اوباما را به سیاست همزمان تحریم و مذاکره واداشت، حضور حسن روحانی در جایگاه ریاست جمهوری ایران و ترویج سیاست آشتی‌جویانه‌اش با دنیا، کفه تصمیم‌گیری کاخ سفید را به نفع مذاکره با ایران و کاستن از روند روبه رشد تحریم‌ها سنگین کرد تا نهایتاً بعد از قریب به سه سال از آغاز به کار دولت یازدهم، ایران و کشورهای ۵+۱ به توافق بزرگ هسته‌ای دست یافتند؛ اتفاقی که اوباما با چینش مجموعه‌ای از نیروهای تکنوکرات در دولتش نقش بسزایی در آن ایفا کرد و برای اجرایی شدن آن ورود به یک تنش جدی برآمده از منازعه بالایی‌ها، اتاق‌های فکر ضد دولت و حامیان جنگ و متحدان عربی‌اش را پذیرفت.



باراک اوباما



سیاست‌ترجیح دیپلماسی گزاره‌ای برگرفته از مأموریت دشواری بود که اوباما در آغاز به کار دولتش و ذیل هدف بهبود وجهه این کشور در جهان برای خود تعریف کرد. آن هم در شرایطی که شرایط به جامانده از جنگ‌های بی حاصل و هزینه‌ساز دوران بوش پسر عملاً چهره سیاست خارجی واشنگتن را در عرصه بین‌المللی مخدوش کرده بود

لابی‌های وابسته به آنها در کنگره امریکا برمی‌گشت. چنانکه «آیپک» به عنوان تأثیرگذارترین سازمان یهودی امریکا بر سیاست خارجی این کشور، توافق هسته‌ای را طوفانی علیه امنیت تل‌آویو تعبیر و خود را وارد یکی از بحرانی‌ترین روابط تاریخی واشنگتن-تل‌آویو کرد.

این در حالی بود که عبور برجام از سد کنگره اگر چه به آسانی صورت نگرفت اما تصویب آن مسیر اجرایی شدنش را هموار کرد تا این بار نوبت به اقداماتی برسد که از سوی همپیمانان اسرائیلی مجلس نمایندگان امریکا با هدف تخریب برجام رقم خورد. اقداماتی که با هدف لرزان کردن پایه‌های اعتماد ایران نسبت به پایبندی طرف‌های مذاکره بویژه امریکا در قبال تعهداتش در چارچوب برجام صورت می‌گرفت.

تبلیغات سازماندهی شده آیپک به منظور فشار بر کنگره و ایجاد وحشت از قدرت گرفتن ایران، در مقام قدرتی که می‌تواند با یک ضربه امریکا را به ورطه نابودی بکشاند، جدال رئیس جمهوری امریکا با جریان‌ها ولابی‌های یهود مخالف برجام را به مرحله جدی‌تری وارد کرد. «محدودیت صدور روایت برای اتباع ۳۸ کشور»، طرح «قانون قربانیان تروریسم ایران» و «فهرست کردن سلسله تحریم‌های جدید علیه ایران به بهانه آزمایش موشک‌های بالستیک» جملگی نشانه‌هایی بودند که از تلاش تندروهای امریکایی برای دست‌اندازی در اجرای توافق هسته‌ای میان ایران و کشورهای گروه ۵+۱ حکایت می‌کرد. موج این تهدیدات با هشدارهای پیاپی اوباما به و تو که می‌دانست افزون شدن تحریم‌های جدید ایران بعد از اجرایی شدن برجام، به مثابه طوفانی طومار برجام را خواهد پیچید، روبه‌رو می‌شد. بعد از برتری عددی جمهوریخواهان در کنگره امریکا همزمان با روی کار آمدن «دونالد ترامپ» رئیس جمهوری جدید این کشور عزم تندروها برای کار شکنی در برجامی که ترامپ وعده بازنگری در آن را داده بود، جزم‌تر شد. چنان که آنها همزمان با نهایی شدن طرح فروش هواپیماهای مسافربری ایرباس و بوئینگ به ایران (۲۵ آبان ماه سال جاری) که در چارچوب همکاری‌های برجامی با واشنگتن صورت می‌گرفت، طرحی را به منظور جلوگیری از آن در مجلس امریکا مطرح کردند. طرحی که کاخ سفید در واکنش به آن اعلام کرد شرکای امریکا معتقدند اگر اجرایی شود، نقض توافق هسته‌ای خواهد بود. به همین منظور اوباما کنگره را تهدید کرد در صورت تصویب طرح ممنوعیت فروش هواپیماهای مسافربری به ایران که به مثابه یک رویداد مهم برای رونق گرفتن کسب و کار با ایران قلمداد می‌شد، آن را وتو خواهد کرد.

اوباما کمی پیش از آن نیز (مهرماه ۹۵) اعلام کرده بود طرح کنگره برای شفافیت اموال و دارایی‌های مقام‌های ایرانی را وتو خواهد کرد. اگر چه خودداری رئیس جمهوری امریکا از وتوی تمدید یک قانون تحریمی تحت عنوان آیس‌ا علیه ایران، مجرای قانونی شدن آن را فراهم ساخت اما او با طرح این موضوع که تحریم‌های هسته‌ای با فرمان رئیس جمهوری امریکا مشمول این قانون نخواهند شد، به دلجویی از ایرانیان در برابر این اقدام کنگره پرداخت. با وجود این اقدام، گزارش نشریات معتبر امریکایی از جمله «وال استریت ژورنال» به نقل از مقامات ارشد امریکا، از تلاش‌های لحظه آخری کاخ سفید برای تکمیل قرارداد شرکت‌ها با ایران با هدف سلب امکان برگشت‌پذیری قرارداد‌های مربوط به توافق مهم هسته‌ای با ایران از دولت بعدی امریکا حکایت می‌کرد. اقداماتی که با هدف حفظ حیات برجام و مصون نگه داشتن آن از آسیب تندروهای کنگره و دولت جدید امریکا صورت می‌گرفت.

تأثیر اجرای برجام بر روابط امریکا و اعراب

کار سخت اوباما با مخالفان برجام در واشنگتن تنها یک روی سکه بود. توافق هسته‌ای با ایران برای اصلی‌ترین متحدان عربی امریکا در منطقه که طی سه سال گذشته روابط پرفراز و نشیبی را با آن بر سر ایران از سر گذرانده

وزارتخانه‌های انرژی و دارایی، پنتاگون و دستگاه‌های امنیتی را هماهنگ و فعال کند و رهبران کشورهای قدرتمند و بانفوذ جهان را در مقابله با مخالفین داخلی به کار گیرد. تاجایی که کار به لشکرکشی خیابانی و آگهی‌های تلویزیونی له و علیه توافق هسته‌ای کشیده و دو طرف هواداران خود را در سراسر امریکا به خیابان‌ها کشاندند. «تلاش اوباما برای حراست از توافق هسته‌ای با ایران که در مدت زمان سه سال بعد از روی کار آمدن روحانی در ایران به دست آمد، آغاز دشواری پیش روی او در مواجهه با تندروهای مخالف ایران در کنگره بود.

کارزار جدال اوباما با مخالفان برجام

شاید یکی از بی‌سابقه‌ترین اتفاقاتی که در چند دهه اخیر امریکا در صحنه سیاسی این کشور به وقوع پیوست، شکاف بارز دموکرات‌ها و جمهوریخواهان بر سر برجام و توافق با ایران بود. توافقی که دموکرات‌ها دستیابی به آن را گامی برای تأمین منافع ملی امریکا تعبیر و جمهوریخواهان از آن به عنوان یک تهدید بزرگ برای امنیت کشورشان یاد کردند. اختلافی که نقطه محوری آن به ناخشنودی اسرائیل و

لغو سیاست تغییر رژیم مقدمه ساز مذاکره

اولین گام اوباما به سمت کاستن از تنش‌ها با ایران در مواضع آشتی‌جویانه او در صحن مجمع عمومی سازمان ملل متحد (شهریور ۹۲) و زمانی که حسن روحانی عهده‌دار مسئولیت ریاست جمهوری ایران شده بود، برداشته شد. زمانی که او برای نخستین بار اعلام کرد که تغییر حکومت ایران از اولویت‌های سیاست واشنگتن نسبت به تهران کنار رفته است. اوباما با اشاره به نامه‌هایی که به رهبر و رئیس جمهوری ایران نوشته بود، گفت که امریکا به دنبال تغییر حکومت در ایران و ممانعت از استفاده ایران از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای نیست ولی می‌خواهد جلوی دسترسی آن به سلاح‌های هسته‌ای را بگیرد. حسین موسویان، مذاکره‌کننده ارشد پیشین تیم هسته‌ای ایران در این رابطه می‌نویسد: «اوباما برای تحقق توافق هسته‌ای در مورد ایران «اتاق ضد جنگ» در کاخ سفید تشکیل داد. این اتاق موظف شد سناتور‌ها و نمایندگان حزب دموکرات برای حمایت از این توافق را راضی کند استراتژی دفع حملات تبلیغاتی منتقدان در رسانه‌های امریکا را تدوین و هدایت کند. تمام دستگاه‌های دولت امریکا اعم از وزارت امور خارجه تا

ایران

دوشنبه ۲۷ دی‌ماه ۱۳۹۵